

نقد و بررسی علمی

کتاب فرزانه

نقد و بررسی علمی کتاب فرزانه، برای معرفی کتابهای برجسته ایرانی و خارجی و درج مقالات فرهنگی - اجتماعی مناسب، به صورت ویژه نامه بخارا منتشر می شود و اداره امور تحریری آن بر عهده هیئت تحریریه برگزیده شده از سوی «مؤسسه نشر و پژوهش فرزانه» است.



فرزانه

سهرودی شمالی، کوچه شهرتاش، پلاک ۷۳، تهران ۱۵۵۹۷

تلفن: ۸۷۶۸۵۲۴، فاکس: ۸۷۶۶۳۲۵

صندوق پستی: ۵۷۶-۱۹۶۱۵

E-mail: farzan@www.dci.co.ir

نشانی ما در اینترنت:

<http://www.apadana.com/farzan>

نقد و بررسی

کتاب فرزانه

تحت نظر هیئت تحریریه

با همکاری: هرمز همایون پور

مدیر اجرایی و فنی: علی دهباشی

این ویژه نامه، به صورت متناوب، به پیوست نشریه بخارا منتشر می شود.

فهرست مطالب

- ۱ - مقالات نابرداری و تعاریف آن: امیرتو اکو / خجسته کیهان - گفتگو با ژرژ سامپرن: ژراردو کورتاتو / شیرین دخت دقیقیان - گواهان ادبی خیر و شر: پتر کونرادی / محمدباقر فروتن - کاریکاتورهای میرسلاو بارتاک: پرویز دویسی - سید و خندان، چگونه «سیدخندان» شد: دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی.
- ۲ - خاطرات فرهنگی در جست و جوی نسخه‌ای خطی از یک کتاب: دکتر پرویز آتابکی - چهارشنبه شبی که سرنوشت من نوشته شد: سیدمحمدعلی جمالزاده
- ۳ - کتابهای خارجی کتابفروشی‌ها، هر چه بلندتر و معظم‌تر! - نقطه ضعف پنج معتاد به قدرت - دنیای از دست رفته ادوارد سعید.
- ۴ - کتابهای داخلی توکو دیدس و واقعگرایی در تاریخ: روزبه زرین کوب مردی با کبوتر: رومن گاری / لیلی گلستان - خاطرات فاطمه پاکروان: تاریخ شفاهی ایران - کیستی ما: حسین کاجی - فرار از فلسفه: فرهاد طاهری.



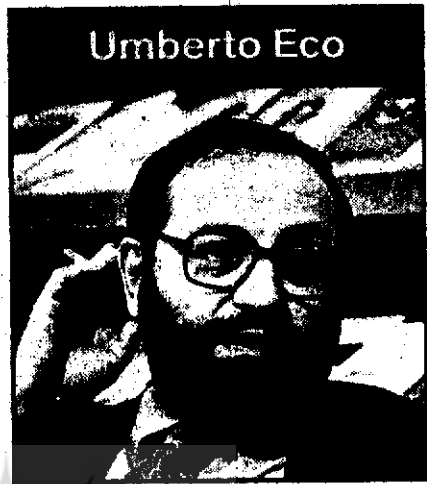
۲۴۱

بنیادگرایی و ناب‌گرایی (انتگرسیسم) را غالباً دو مفهوم مرتبط و تجلی‌های آشکار ناب‌دبازی می‌دانند. اگر به فرهنگ «پتی روی» یا واژه‌نامه تاریخی زبان فرانسه مراجعه کنیم در تعریف مفهوم بنیادگرایی واژه انتگرسیسم را باز می‌یابیم، چنانکه در ذهن ما بنیادگرایان همگی ناب‌گرا و ناب‌گرایان بنیادگرا هستند. اما اگر چه این دو پدیده در بیشتر موارد با یکدیگر همراهند، نباید نتیجه بگیریم که هر کس دگراندیشی را بر نمی‌تابد لزوماً انتگرسیست یا بنیادگراست. با این که اکنون اشکال گوناگون بنیادگرایی و ناب‌گرایی در همه جا یافت می‌شوند، پدیده ناب‌دبازی یا عدم تساهل عمیق‌تر و خطرناک‌تر از آنست که در این مفاهیم بگنجد.

از دیدگاه تاریخی از اصول هر مه نوتیک^۲ یا تأویل است و یمنهوه تفسیر معون مقدس مربوط می‌شود. ویژگی بنیادگرایی مدرن غربی که در قرن نوزدهم در میان پروتستان‌های ایالات متحده بوجود آمده این بود که آنان کتاب مقدس را موبمو تفسیر می‌کردند و تفسیر خود را بویژه

۱ - Intolence را عدم مدارا و عدم تسامح نیز ترجمه کرده‌اند. - م.

۲ - Hermenotutigu دانش تفسیر معون (فلسفی، مذهبی) با بهره‌گیری از تأویل و ظیره. در نشانه‌شناسی، به گفته میشل فوکو «هرمه نوتیک به مجموعه دانش‌هایی گفته می‌شود که درک مفهوم نشانه‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند.» -



● امبرتو اکو

بر کیهان‌شناسی و علوم آن زمان که با حکایت‌های انجیل (خوارق) نداشت، منطبق نمی‌کردند. روشن است که هرگونه تفسیر و تکرش تمثیلی و معوشکل آموزشی که متن کتاب مقدس را زیر سؤال می‌برد، مورد شلرده نمی‌شود و به‌تندی به‌جای خود برود. کلیسا همیشه از آن بی‌خبر است. در حالی که شلرده‌ها به‌تندی به‌جای خود می‌روند. البته این شکل از تفسیر متون مقدس حکایت‌ها را برانگیخت و به‌تندی به‌جای خود می‌روند. در میان پدران کلیسا نیز پیروان تفسیر موعودها آن‌ها که مسافرتی است، آنگو سخن هرگونه خونیکی آزادانه‌تری را باور داشتند، به‌بحث و تبادل من بر داشتند، اما هر دو در دوران ستریز بروز بنیادگرایی و سخت‌گیری مربوط به آن تنها در میان پروتستان‌ها امکان‌پذیر بوده است، زیرا بنیادگرایان بر این باورند که واقعیت بنیادین در تفسیر موعودها انجیل نهفته است. از آنجا که هر یک از کلیساها را تفسیر کننده معتبر انجیل می‌شناسند و هر میان آنان جنبه‌های مختلف گرایان را می‌توان معادل بنیادگرایی شمرد. البته بنیادگرایی نزد مسلمانان و یهودیان نیز پیروانی دارد، اما تحلیل نمونه‌های آن را به محققین آن عرصه‌ها وا می‌گذارم.

آیا بنیادگرایی اساساً با عدم تسامح یا ناپردباری همراه است؟ پاسخ در زمینه هر مه تو نیک مثبت است. اما در عرصه سیاست لزوماً چنین نیست. می‌توان فرقه‌ای بنیادگرا را مجسم کرد که نخبه‌گان خود را تنها مفسرین حقیقی کتاب مقدس پندارد، بی‌آنکه دیگران رابه پذیرش باورهای

فرقه وادارد یا برای رسیدن به جامعه‌ای که همان اعتقادات یا پذیرا باشد، مبارزه کند. ناب‌گرایی عبارت از گونه‌ای موضع‌گیری مذهبی - سیاسی است که در پایه آن اصول مذهبی الگوی زندگی سیاسی و سرچشمه‌ی قوانین دولت قرار می‌گیرد. اگرچه بنیادگرایی و سنت‌گرایی در اصل با محافظه‌کاری توأمند، اما در میان ناب‌گرایان افراد یا جریان‌ها پیشرو یا انقلابی کم نیستند. بعضی از جنبش‌های انتگریت‌کاتولیک بی‌آنکه بنیادگرا باشند، خواستار جامعه‌ای هستند که نظام آن از اصول مسیحیت نشأت گرفته باشد. این جنبش‌ها تأویل انجیل و تفسیر موبومی آن را باور ندارند و احتمالاً کیهان‌شناسی و علوم دینی ملهم از آثار تبار دو شاردین^۱ را می‌پذیرند. ممکن است اختلاف میان این نگرش‌ها ظاهرنا پیدا باشد. به‌صورت مثال به جنبش «درستی سیاسی»^۲ در ایالات متحده بیاوریم. این جنبش بر اثر نیاز به تسامح و مدارا با اختلافاتی در همه زمینه‌ها به وجود آمد. جنبشی که نمی‌تواند ناب‌گرا باشد، چرا که بر پایه چشم‌انداز آزادی مذهبی و مخالفت با نژادپرستی بنا کرده‌اند. با این حال همین جنبش اینک به شکلی تازه از بنیادگرایی مبدل شده که سخت‌گیری آن در مورد زبان و واژه‌های روزمره و جایز شمرده یا نشمردن این یا آن واژه یادآور آئین‌های مذهبی است. آن‌ها تنها واژه‌ها را در نظر دارند، بی‌آنکه به مفاهیم بیاندیشند، و کسانی را که قواعد «درستی سیاسی» را رعایت نکنند، خواری می‌شمارند.

و اما نژادپرستی، نژادپرستی نازی‌ها به تمام معنی تمامت‌خواه (فولتالشی) بود و اگر چه برای خود مبنای علمی می‌تراشیدند، در نظریه برتری نژادی، بنیادگرایی وجود نداشت. نژادپرستی جنبش‌هایی چون «اتحاد ایتالیایی» با نژادپرستی شبه علمی از یک ریشه می‌باشند. (در واقع «اتحاد ایتالیایی» ریشه فرهنگی ندارد)، با این حال جنبش‌های عموزور همگی پیرو نژادپرستی‌اند. آیا می‌توان تعریف ناب‌دباری را به اختلافات جزئی میان بنیادگرایی، سنت‌گرایی، ناب‌گرایی و نژادپرستی فروکاست، در حالی که عدم مدارا به اشکال غیر نژادپرستانه نیز بروز می‌کند (از جمله بر نتایج کافران یا ناب‌دباری خودکامه‌گان و دیگران‌دیشان). در واقع ناب‌دباری بس ژرف‌تر از اینهاست و پدیده‌های گوناگون و متفاوتی از آن سرچشمه می‌گیرد.

بنیادگرایی، ناب‌گرایی و نژادپرستی شبه علمی مواضعی نظری‌اند و دارای پیش‌فرض‌های

۱ - Teiland de chondiw (۱۸۸۱ - ۱۹۵۵). فیلسوف و عالم دینی که در میانه عمر به تحقیقات انسان‌شناسی پرداخت. وی کوشید تا دست‌آورد‌های بیولوژی، مدرن را به ایمان کاتولیک پیوند زند. اما واتیکان در سال ۱۹۶۶ آثار او را تحریم کرد. - م.

۲ - Politically correct جنبشی که از اوایل دهه‌ی ۸۰ در میان روشنفکران و دانشگاهیان ایالات متحده به وجود آمده و هدف آن مبارزه با انواع تبعیض، از جمله نژادی و جنسی است. - م.

مبتنی بر آموزه (دکترین) می‌باشند. در حالی که نابردباری فراصوری هرگونه آموزه پدیدار می‌شود. از این دیدگاه ریشه‌های نابردباری تنها زیست‌شناسانه است و در پیوند حیوانات در خص مالکیت نسبت به سوزمین و دشمنی نسبت به حیوانات متغییر به هر چه بر پایه واکنش‌های حسی و غالباً سطحی بروز می‌کنند. کسانی را که با ما تفاوت دارند دوست نمی‌داریم زیرا رنگ پرستشان متفاوت است، یا به‌زبانی سخن می‌گویند که ما این فهمیم یا این که خوبا فاهه-سنگ، میمون، خوک یا سیر می‌خورند و یا به‌این سبب که بدن را همان‌طور می‌کنند.

نابردباری نسبت به افراد غیرخویش نزد کودکان طبیعی است، چنانکه هر چه بدست آوردن آنچه دوست می‌دارد. بردباری و عدل از خصالت‌هایی است که انسان را از سوره بدست آوردن آنچه اعضاء و عضلات خویش را، اما کنترل عضلات را می‌توانند از این گودکی می‌توان آموخت، در حالیکه برای رسیدن به شامخ، آموزش دائمی بزرگسالان لازم است، زیرا همه مادر زندگی روزمره دائماً با تردیدهایی که در مواجهه با اختلاف (در همه ایامه آن) بروز می‌کند روبرو هستیم. بررسی آموزه اختلاف و تفاوت در میان انسان‌ها و گروه‌ها نزد اهل دانش معمول است، در حالی که به تحلیل نابردباری و عدم تساهل و حش یا نظام نیافته نمی‌پردازد زیرا این پدیده در تعریف نمی‌گنجد و همین خود موضع‌گیری انتقادآمیز را دشوار می‌سازد.

با این حال نابردباری نظام نیافته مولود آموزه‌هایی که به اختلاف میان آدمیان دامن می‌زنند نیست، بلکه بر تافتن اندیشه‌های مخالف پس‌زمینه‌ای در اذهان دارد که نابردباری از آن ماهه می‌گیرد. برای مثال، به شکار و سوزاندن متهمین به جادوگری در دوران تفتیش عقاید بیانداشیم. شکار جادوگران مولود عصر تیزگی و جهالت نیست، بلکه در دوران مدرن به وقوع پیوسته است. «پتک شوم» شش سال پیش از کشف قاره آمریکا نوشته شده، یعنی در دوران زندگی مارسل فی سین انسان دوست فلورانس. نویسنده کتاب جادوگران شیطانیه بودن Bodin است، مردی از دوران رنسانس که پس از کشفیات کولمبوس به نگارشی آن مبادرت کرد تا توضیح این که دنیای مدرن به چه سبب برای شکار جادوگران توضیحات نظری و منطقی می‌تراشد، بر عهده من نیست. هدف تنها یادآوری این نکته است که آموزه مزبور از این روی جاگیر شد که مردم نسبت به جادوگران بدبین بودند. بدبینی‌ای که در گذشته دوره در آثار دوران گلاسیک از جمله در مجموعه تئوریک سن توماس یافت می‌شود و هومر از آن سخن می‌راند و در این آثار جادوگری

۱- از اسناد دوران تفتیش عقاید که به‌زبان لاتین نوشته شده بود. در دوران که از قرن سیزدهم تا شانزدهم میلادی به طول انجامید، شکار جادوگران بهانه‌ای بود برای تعدی و آزار دگراندیشان. چنانکه آنان را به اتهام جادوگری دستگیر می‌کردند و در ملع هام آتش می‌زدند. از این رو تا به امروز در غرب شکار جادوگران به عنوان استعاره‌ای از نابردباری به کار می‌رود. - م.

و آزار و مجازات جادوگران از واقعیت‌های روزمره به حساب می‌آمد، چنانکه امروز در علم حقوق، وجود دزدان و مجازات‌های مربوط به دزدی از امور پدیده‌ی است. اما بدون تکیه بر باورهای مردمی، قبول‌اندن آموزه‌ای که مجازات مخالفین را جایز می‌شمرد، امکان‌پذیر نبود. دشمنی با یهودیان که ظاهراً اساسی علمی برای آن تراشیدند، در قرن نوزدهم ظهور کرد و تنها در این قرن به مردم‌شناسی تمامت خواه تبدیل شد و به کشتار جمعی با کاربرد ابزارهای صنعتی منتهی گردید. باین حال بی‌آنکه دلایل ظهور آن را از نظر دور بداریم، می‌توان گفت که اگر در میان پدران کلیسا، مجادله‌ای - هر چند نظری - علیه یهودیان در نگرفته بود، و مسیحیان طی چندین قرن یهودیان را دشمن نمی‌دانستند، نظریه ضدیهود رواج نمی‌یافت.

خطرناک‌ترین نابرداری در هر حال آنست که در غیاب هر گونه آموزه، از خرایز ابتدایی و جهش‌های ناخودآگاه روانی مایه بگیرد. به همین دلیل نیز تبیین و رد آن به کمک استدلال منطقی دشوار است. رد نظریه نابرداری نژادی نازی‌ها به کمک اندک دانشی میسر است، و سبب باقی ماندن آن، به رغم تقابل‌ها و اعتراضات همه جانبه اینست که بر پایه عدم تسامحی ابتدایی یا احمقانه استوار است که نقد آن به سادگی ممکن نیست.

نابرداری خریزی از نوعی طبقه‌بندی ساده انگارانه ناشی می‌شود که خود پایه همه نظریه‌های نژادپرستانه آینده است. در سال‌های اخیر ۱۲۰۰۰ آلبانیایی وارد خاک ایتالیا شده‌اند. اگر چند تن از آنان به دزدی یا فحشا روی آورده باشند، با چنان استدلالی می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه آلبانیایی‌ها دزد و فاحشه‌اند. چنین ساده‌انگاری وحشت‌انگیز است، زیرا هر یک از ما می‌تواند به دام آن بیفتد. کافی است هنگام سفر چمدانی را در فرودگاه یک کشور از ما دزدیده باشند تا باور کنیم که از همه مردمان آن کشور باید پرهیز کرد.

از آن بدتر نابرداری فقر است که خود از اختلاف طبقاتی آزرده‌اند، نژادپرستی تنها از آن ثروتمندان نیست. آنان تنها آموزه نژادپرستی را پرورده‌اند. در حالی که فقرا آن را اجرا و زندگی می‌کنند و نژادپرستی زنده قوی‌ترین است.

پروزی بر نابرداری پس از این که به نظریه تبدیل شد امکان‌پذیر نیست، زیرا دیگر خیلی دیر است و آنان که می‌بایست نابرداری را رام خود سازند (یعنی روشنفکران) به نخستین قربانیان آن تبدیل می‌شوند. از این رو روشنفکران می‌بایست علیه نابرداری خریزی مبارزه کنند. و این پدیده چنان احمقانه است که اندیشه در برابر آن در می‌ماند.

اما چالش ما همین جاست. چالش رسیدن به سرچشمه‌های تاریک نابرداری خریزی و نظام نیافته است. باید بکاویم، بکاویم تا آن راه، پیش از این که در کتابی نوشته و تنظیم شود، در نطفه بیابیم.

برگرفته از «مگزین لینه رو»

مارس ۱۹۹۸